

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۶۲۵

جمعه ۲۰ شهریور ۱۳۹۴، ۱۱ سپتامبر ۲۰۱۵

یادداشت‌های هفته

عمید تقوایی

راه حل جمع کردن بساط دولت‌ها و

نیروهای اسلامی از خاورمیانه است!

جنبش سکولاریستی و از کار افتادگی

اسلام ضد آمریکائی

چه کسی انسانیت را درک نمی‌کند؟

صفحه ۵

انسانیت مرز نمی شناسد

اطلاعیه تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران

صفحه ۸



"تصور کن"

افکاری بلند بلند پیرامون "مساله پناهجویان"

مکانی امن، بدور از بمبارانها، بلور جنگهای خونین تروریستی، بدور از قتل عام شدن، امکانی برای زندگی، علیرغم مخاطرات راه، برای خود پیدا کنند. این انسانها که اکنون در حرکتند تنها نوك كوه یخ عظیمی از انسانهایی هستند که با این فاجعه

صفحه ۲

که برای بقا و ادامه زندگی، هر مشقتی را بر جان خریده اند، خانه و کاشانه و محل کار و زندگی خود را رها کرده اند و با کوله پشتی ای که گویا تمام توشه زندگیشان است، به دشت و کوه و دریا زده اند، تا شاید در گوشه ای دیگر از این کره خاکی،

علی جوادی

"مساله پناهجویان": ابعاد و دامنه

بشریت کمتر در دوران معاصر، حداقل در چند دهه اخیر، با چنین پدیده دردناکی، در چنین ابعادی، مواجه شده است. میلیون‌ها انسانی

مصاحبه با سمیر نوری

پلنوم نهم حزب کمونیست کارگری چپ عراق،

مباحث و استنتاجات عملی

صفحه ۳

گفتگوی سیامک بهاری با مصطفی صابر؛

بحران در "خانواده"!

است. آنچه که اینروزها از سخنگویان بورژوازی بیشتر میشنویم فریاد مایوسانه "خانواده از دست رفت"، است! کافی است به اظهارات مقامات جمهوری اسلامی علیه "ازدواج سفید" و یا بالا رفتن سن ازدواج و ازدیاد طلاق و "فروپاشی ارزشهای خانواده" در ایران رجوع کنید. یا به آمارهای مربوط به خانوار در جوامعی مانند آمریکا در سالهای اخیر دقت کنید که نشان میدهد اشکال سنتی خانوار (نظیر "خانواده هسته ای") به نسبت اشکال

صفحه ۴

سیامک بهاری: تعریف رایج و مشهوری در باره خانواده مطرح است، "خانواده سلول جامعه است" چرا؟ این تعریف از کجا آمده است؟ در حالیکه شکل و فرم خانواده در طول تاریخ با تغییر مناسبات طبقاتی و اجتماعی مداوما دگرگون شده است، اما سرمایه داری بر حفظ مناسبات کهن خانوادگی، حتی مناسبات ماقبل سرمایه داری هم اصرار دارد. چرا؟ مصطفی صابر: در چند دهه اخیر مفهوم و واقعیت آنچه به آن خانواده میگویند دچار چنان انقلاب و تحولی شده که شعار "خانواده سلول جامعه است" رنگ باخته و حاشیه ای شده

فراخوان به مردم انقلابی عراق!

از طرف پلنوم نهم

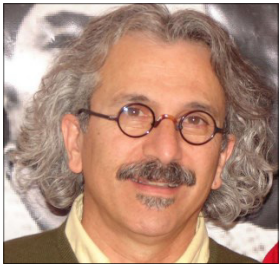
حزب کمونیست کارگری چپ عراق!

صفحه ۷

اعتراضات ضد دولتی در لبنان:

"دزدان، دزدان، برین پی کارتون"





کرد. باید دولتهای این کشورها را وادار کرد که وسایل انتقال و عبور این مردم را فراهم کنند.

۴- درهای قلعه اروپا را باید باز کرد. ورود به اروپا اکنون مانند ورود به قلعه‌ای است که از بسیاری از برج و باروهایش به سر روی این مردم می‌کوبند. درهای این قلعه را باید از دورن باز کرد. تنها یک جنبش عظیم انسانی، جنبشی که هیچ قدوسی برای مرز و بوم قائل نیست، جنبشی که منشاء تحرک انسان و انسانیت است، میتواند این درهای این قلعه را باز کند. بورژوازی اروپا این قلعه را برای تحکیم موقعیت سرمایه در رقابت با بلوکهای جهانی برپا ساخت. دیوارها میان کشورهای "خودی" را پایین کشیدند تا دیوارهای فراقاره‌ای را بالا ببرند. این مجموعه اکنون بیش از هر زمان ضدیتش را با نیازهای پایه‌ای انسانیت به نمایش گذاشته است. اکنون زمان چنگ زدن به عمیق‌ترین راه‌های سیاسی و انسانی در برخورد به این مساله است.

۵- حقوق برابر شهروندی برای همه پناهجویان و مهاجرین. تمامی پناهجویان و مهاجرین باید از حقوق برابر و یکسان شهروندی در جوامعی که اسکان پیدا میکنند برخوردار باشند. پناهجویان شهروندان درجه دوم نیستند که در اضطراب و دلهره شب را به روز بسپارند، وحشیانه استثمار شوند و قربانی انواع دستجات مافیایی شوند. پناهجویان نیروی کار ارزان نیستند، انسانند.

آنچه در بالا تصور شده است، افکاری بلند بلند، در ارائه یک راه حل فوری و انسانی برای معضله حاد و تکان دهنده است. بسیاری به ما خواهند گفت این راه حل‌ها عملی نیست، نمی‌گذارند، ممکن نیست، رویایی است. پاسخ ما روشن است.

میتوان در ابعاد گسترده، علاوه بر فشار بر دولتها سازمان داد. مگر نه اینکه در زمان جنگ دوم جهانی گروههای متعدد انساندوست، سازماندهی فرار قربانیان فاشیسم را سازماندهی کردند و انسانهای بسیاری را نجات دادند. چرا نمیتوان اکنون نیز دست به اقدام مشابهی زد؟ فرار از فاجعه، فرار از سرزمین طاعون زده، اسلام زده، حق این مردم است. در حال حاضر نزدیک به دو میلیون انسان در ترکیه در شرایط وخیم و غیر انسانی بسر می‌برند. باید به کمک این انسانها شتافت. ۲- باید ارسال کمکهای اولیه و انسانی را به مراکز تجمع این پناهجویان در هر کجا که هستند، سازمان داد. این مردم موقعیتی مانند زلزله‌زده‌گان دارند. نه خانه‌ای دارند، نه سرپناهی دارند، نه پولی در جیب دارند، نه بیمه و دسترسی به پزشک و درمان دارند. باید برای سازماندهی ارسال و دسترسی چنین اقداماتی طرح و برنامه ریخت. مگر نه اینکه در زمان حادث شدن یک زلزله عظیم و یک سونامی وحشتناک چنین مراکزی را برای کمک به قربانیان این فاجعه سازمان میدهند، امروز هم باید چنین کرد. نباید اجازه داد کودکی در آغوش پدر و مادرش جان خود را از دست دهد.

۳- باید دولتهای ترکیه، یونان، صربستان، مجارستان و سایر کشورهای مسیر مهاجرت این پناهجویان را وادار به رفع موانع عبور و تردد این انسانها خسته و زخم خورده کرد. باید با قدرت به مقابله با رفتار وحشیانه و ضد انسانی این دولتها و نیروی سرکوبگرشان بلند شد. هر تعرضی به این انسانها، هر ضرب و شتم را باید به محاکمه کشید. در عین حال باید انتقال این انسانها را از کشوری به کشور دیگر حتی بطور "خصوصی" سازماندهی

نژادپرستانه شان است. در آمریکا، در قاره ای که آبها و امواج عظیم اقیانوس آتلانتیک، امکان مهاجرت این موج انسانی را نمیدهند نیز تبلیغات نژادپرستانه، ضد مهاجر و پناهجو ابعاد وحشتناکی بخود گرفته است.

این قطب بندی اکنون در حال شکل گیری و صف آرایی است. این جدال نیز جهانی است. اردوی انسانگرایی و آزادیخواهی در مقابله با نژادپرستی و ناسیونالیسم کور و ضد انسانی. جبهه اصلی این نبرد اکنون در اروپا است. اما نبردهای بسیاری در راه است. باید برای سازماندهی و پیشروی و پیروزی در این عرصه آماده شد. هر پیشروی و هر پیروزی در این جدالها یعنی نجات جان انسانهای بسیار، یعنی لبخندی بر چهره کودکان معصومی که نمیدانند چه بر سرشان آمده است.

رئوس یک راه حل انسانی و فوری: راه حل ما چند جانبه و چند وجهی است. انسانی و سیاسی و طبقاتی است. فوری و کوتاه مدت و میان مدت است. ابتدا به پروژات این پدیده می‌پردازیم. اما یک راه حل جامع باید به ریشه‌های این مساله، جنگ دولتها و دستجات تروریستی و فروپاشی جوامع، نیز باید پرداخت.

۱- در درجه اول باید امکان خروج و مهاجرت ایمن تمام کسانی که در صدد فرارند را فراهم کرد. نباید اجازه داد که این مردم قربانی سودجویی مشتی قاچاقچی انسان شوند که جز سرکبسه کردن این مردم بخت برگشته هدف دیگری ندارند. آنان، کودکان سه سالی سوری که جسدش به ساحل رسید، در عین حال قربانی سودجویی چنین دستجاتی است. اگر میلیونری که دلش به درد آمده، میتواند با قایق شخصی این پناهجویان آواره در دریا را به خشکی و ساحل برساند، این مساله را



"تصور کن"

افکاری بلند بلند پیرامون "مساله پناهجویان"

از صفحه ۱

دست به گریباند.

توسط روسیه تحت عنوان کمکهای "انسان دوستانه"، جنایات گسترده تر داعش و امثالهم و مسلما گسترش سرازیر شدن انواع سلاحهای نظامی توسط نیروهای رقیب، آمریکا و ناتو، به این فاجعه ابعاد دهشتناک تر و دراز مدت تری خواهد بخشید. جبهه بندیها: راسیسم و پناهجوستیزی، انسانگرایی بی مرز و بوم

این موج عظیم انسانهایی که برای یافتن مسکن و مآوایی به حرکت در آمده است به دو واکنش اساسی در سطح اروپا و جهان شکل داده اند. در یک طرف اردوی عظیم بشریت متمدن و انسانگرا است که مستقل از رنگ پوست و ظاهر این انسانها، زبانی که تکلم میکنند، مستقل از اینکه به چه مذهب و خرافه ای باور دارند یا ندارند، دست همیاری و همبستگی و کمکهای خود را بسوی این مردم زخم دیده و خسته دراز کرده اند. گویی هیچ کمکی کوچک نیست: یک بطری آب برای لپهای تشنه، بسته ای پر از میوه، لباس و کفش، عروسی برای دخترکی خسته و مضطرب، و حتی یک لبخند و چند کلمه گرم و مهربانه، "خوش آمدید"، همگی مرهمی است بر این درد عظیم. این انسانیت است، این انسانگرایی مرز و بومی ندارد. آلمانی و یونانی و صرب و فرانسوی و مجاری نیست. بین المللی است. انترناسیونالیستی است. ناسیونالیسم و طوق لعنت اش موفق نشده به اسارت بگیردش.

اما در مقابل با تحرك وقیح جریانات نژادپرست و پناهجو ستیز هم مواجهیم. دولتهایی که نیروی نظامی و سرکوبگر خود را برای سرکوب این لشکر عظیم انسانی بی ساز و برگ روانه کرده اند، دیوارهای سیم خاردار برایشان کافی نیست، وعده برافراشتن دیوارهای چند هزار کیلومتری میدهند. وعده میدهند که بسیاری از آنها را اخراج خواهند کرد. خط و نشان میکشند که اروپا ظرفیت این "جمعیت مسلمان" را ندارد. "ترکیب اروپایی اروپا در خطر است". و این تنها گوشه‌ای از تبلیغات کشیف و

دوربینها تنها گوشه‌ای از مشقات و مصائب این مردم را ثبت کرده و به تصویر تبدیل میکنند. کمتر دوربینی تمامی ابعاد خود فاجعه را، آنچه که در سوریه و عراق و لیبی و افغانستان و سایر مناطق جنگ زده و اسلام زده آفریقای شمالی می‌گذرد، را به تصویر میکشد. کمتر دوربینی مرکز این فاجعه را، مرکز این زلزله را، آنچه را که این مردم از آن فرار کرده اند، از بمبارانها و بمباران شیمیایی دولت سوریه گرفته تا جنگ و جدال انواع دستجات تروریستی و آدمکش دولتی و اسلامی، داعش و حزب الله و جبهه النصر و ...، از بمبارانها و ترور دستجاتی که چه به نیابت از دول مرتجع منطقه (عربستان سعودی، قطر و امارات و ترکیه و ایران) و مدافعین بین المللی شان، به جان یکدیگر و جامعه افتاده اند. این مردم راهی جز فرار از این فاجعه ندارد، فرار از منطقه ای که دیگر گویا زندگی در آن به پایان رسیده است، فرار از مشقاتی که خود کوچکترین سهمی در شکل دادن به آن نداشتند.

آخرین نمونه از شکل گیری چنین فاجعه‌ای در سطح جهانی، به عروج و تعرض فاشیسم علیه یهودیان و کمونیست و کولی‌ها، برمیگردد. فجایع و قتل عامها در رووندا، یوگسلاوی، و ... در مقام مقایسه کماکان گویا رویدادهایی کشوری و یا منطقه‌ای هستند. اما امروز جهان با پدیده عمومی تری مواجه است. شیرازه این جوامع تماما از هم پاشیده است. میلیونها انسان در راهند، میلیونها انسان دیگر مترصد پیدا کردن فرصت و فراهم کردن امکانی برای فرارند.

پدیده‌ای که "مساله پناهجویان" نامیده شده است پدیده زود گذری نیست. نه تنها ریشه‌های شکل گیری این فاجعه کماکان به قوت خود باقی است بلکه در حال شدت گیری و گسترش است. دخالت گسترده تر حکومت اسلامی در این فاجعه، گسیل نیرو و تسلیحات نظامی

مصاحبه با سمیر نوری

پلنوم نهم حزب کمونیست کارگری چپ عراق، مباحث و استنتاجات عملی



آن بازگرداند. این جنبش این را تثبیت کرد که هرگاه مردم بخواهند میتوانند جهان را تغییر دهند و این را نشان داد که این نیروها با خواستههای مردم تداعی خواهند شد بلکه دشمنان مردم هستند. اکنون که داریم این سطور را در پاسخ به سئوالات شما مینویسم، پنج هفته از این اعتراضات در حال سپری شدن است، گسترش بیشتری پیدا کرده است، زنان بیشتری به میدان آمده اند، بیشترین شهرها را دربرگرفته است، بخشی از نهادهای فاسد حکومت بسته شدند و به حیدر عبادی هشدار داده شده که باید به خواستههای مردم جواب دهد با اینکه کاملاً روشن است که او قادر به پاسخگویی اوضاع موجود نیست.

انترناسیونال: با توجه به این مباحث، پلنوم چه استنتاجات عملی و پراوتیکی برای فعالیت آینده تاکید کرد؟

سمیر نوری: ما تجربه ایران، مصر و تونس را دم دست داریم. این را میدانیم که علیرغم اینکه انقلاب در این کشورها دستاوردهای پایه ای بدست آورده است اما هنوز در نیمه راه قرار دارد. ما برای اینکه ناچار نشویم خود را در نیمه راه قرار دهیم و تاوان عدم حضور يك حزب بزرگ کمونیستی، کارگری و انقلابی را بپردازیم و همچنین مردم بتوانند نتایج تلاش و زحمت خودشان را بدست آورند، قدمهایی را مشخص کرده ایم که قادر شویم این کمبودها را جبران کنیم.

اگر سکولاریزم در انقلاب فرانسه به معنای درهم کوبیدن فئودالیزم و آزاد کردن سرمایه بود، امروز سکولاریزم و مدنیت یکی از مهم ترین میدانهای مبارزه طبقاتی است و محتوای سکولاریزم منافع طبقه

زبان می آورند، تعابیر لحظه به لحظه زندگی آنان در برنامه ما آمده است که سالهاست برای تحقق آنها تلاش میکنیم.

مردم عراق بسیار روشن در برابر اسلام سیاسی، در برابر دین و قوم پرستی صدای خود را بطور شفاف بلند کرده اند و گفتند: "دولت سکولار و مدنی، خواهان محاکمه غارتگران و همه آنانی شدند که با نام دین کشور را غارت کردند. خواهان الغای پارلمان فاسد و دادگاه فاسد، برکناری سران حاکم فاسد شدند، گفتند که داعش در دامن مملو از فساد شما بیرون زده شد، نه به

در عراق قربانی جنگ قومی و طایفه ای شدند، صدها هزار نفر آواره شدند و صدها زن در خیابانها سربریده شدند و با نام همجنسگرا بوسیله آجر سرشان را له کردند. ثروت و سامان مردم عراق از سوی بورژوازی جهانی و محلی به غارت برده شد و مردم این کشور از کمترین و ابتدایی ترین امکانات زندگی محروم شدند.

بعد از شکست آمریکا در عراق و از هم گسیختگی این حکومت و ظهور داعش همچون دملی چرکین، اوضاع را بیش از پیش تلخ تر کرد که دیگر صبر و انتظار مردم عراق

شد که سرنوشت ساز ترین اوضاع در جامعه عراق در حال وقوع بود. این اولین بار در تاریخ مردم عراق است که اینگونه و با چنین تصویری و برای تغییر در زندگی از خود آمادگی نشان می دهند. از این رو پلنوم بر روی پیاخاستن مردم عراق فوکوس کرد. عراق در مدت ۴۰ سال گذشته تحت عملکرد دیکتاتوری صدام حسین و حزب بعث، مشقت بارتترین دوران تاریخ خود را سپری کرده است. با اعدام و کشتار جمعی مردم کردستان و همچنین کشتارهای دسته جمعی و سرکوب آشکار مردم جنوب، تحمیل دیکتاتوری عریان و محرومیت مردم عراق از تمامی آزادی ها، صدای مردم را خفه کرده بودند.

بعد از یک تازی آمریکا بر جهان در جنگ اول خلیج و فروپاشی بلوک شرق و دیوار برلین همچنین سربرآوردن اسلام سیاسی بمشابه بزرگترین بلای اجتماعی بر مردم جهان بویژه بر مردم خاورمیانه، مردم عراق بهای سنگینی پرداخت کردند. تحمیل محاصره اقتصادی برای مدت بیش از ده سال تا نبود شیر برای کودکان، سربرآوردن دهها دسته

و گروه اسلامی، قومی و عشیره ای در سراسر عراق، نابودی زیربنای اقتصادی، برهم زدن شیرازه جامعه، تغییر جامعه عراق به جامعه ای سناریو سیاهی، تاریکترین دوران زندگی اجتماعی مردم عراق بود. اما این وضعیت ادامه پیدا کرد و تا مقطع سرنگونی رژیم بعث و اعدام صدام حسین و فروپاشی حاکمیت ناسیونالیسم عرب همچنان ادامه داشت. بدنبال آن تحمیل هویت طافه ای، دینی و قومی عشیره ای به مردم عراق، برپا کردن يك پارلمان کاریکاتوری متشکل از نمایندگان قوم، قبیله و مذاهب و سرهم بندی کردن حکومتی که این جانوران را نمایندگی میکرد، مردم عراق را در باتلاق خون فرو برد. دهها هزار نفر

(با تشکر از عبدالگلپریان که ترجمه این مصاحبه را از کردی انجام داده است)

انترناسیونال: اخیراً پلنوم نهم حزب کمونیست کارگری چپ عراق برگزار شده است. ابتدا لطفاً درباره اوضاع سیاسی عراق مختصر توضیحی بدهید.

سمیر نوری: با تشکر از انترناسیونال که این فرصت را فراهم نمود که نگاهی بر اوضاع سیاسی عراق و همچنین مباحث پلنوم نهم داشته باشیم. همانطور که همه اطلاع دارند تا جاییکه به اوضاع سیاسی عراق برمیگردد، مدت بیش از یکسال است که يك سوم عراق تحت کنترل داعش قرار گرفته است و بر بستر جنگی که تا کنون در جریان است، زندگی هر تک انسانی را تحت الشعاع قرار داده، سه میلیون انسان آواره، هزاران نفر کشته، سردها نفر از تن جدا شده و صدها زن به کنیز تبدیل شدند.

اما طولی نکشید که با وجود این سناریوی سیاه، مردم عراق میلیونی و با شعارهایشان به میداين و خیابانها آمدند. تنیده شدن این شعارها در میدان تحریر و در شهرهای بغداد، بصره، عماره، ناصریه، سماوه، کوت، حله، دیوانیه و دهها شهر و شهرک دیگر عمليه تمام نیروهای بورژوا قومی و طایفه ای با شعار، "سکولاریزم، سکولاریزم، نه شیعه نه سنی" به میدان مبارزه مردم پیاخاسته تبدیل شد. تظاهر کنندگان بویژه در مناطق تحت تسلط نیروهای اسلامی حکومت عراق که فرقی با داعش ندارند و همزمان علیه فساد و ترور، توان بزرگی را از خود بنمایش گذاشتند.

انترناسیونال: مباحث اصلی پلنوم و ارزیابی آن از اوضاع کنونی عراق چگونه بود؟

سمیر نوری: پلنوم در شرایطی برگزار



تروریزم و نه به فسادکاران". این یعنی در این اوضاع به معنای قبول کردن خودکشی بود. مردم عراق بگونه ای انفجارآمیز در برابر این وضع و مقابله با این سناریوی سیاه با توان بزرگی در رد تمامی این گنبدگی قد علم کردند.

ما خود بمشابه حزب بخشی از این نیرو هستیم. از ابتدای تشکیل حزب نقد عمیقی از این اوضاع را بدست داده ایم. هیچگاه در مقابل این حکومت، پارلمان و بساط این دارو دسته ها ذره ای توهم نداشته ایم. سکولاریزم، تمدن و دفاع از کرامت انسانی، نان، آزادی و دهها خواست و مطالبه که امروز در شعارهای توده میلیونی مردم نوشته شده است، آنچه را که توده مردم بر

معنای قبول و تحمل يك روز بیشتر در این اوضاع به معنای قبول کردن خودکشی بود. مردم عراق بگونه ای انفجارآمیز در برابر این وضع و مقابله با این سناریوی سیاه با توان بزرگی در رد تمامی این گنبدگی قد علم کردند.

ما خود بمشابه حزب بخشی از این نیرو هستیم. از ابتدای تشکیل حزب نقد عمیقی از این اوضاع را بدست داده ایم. هیچگاه در مقابل این حکومت، پارلمان و بساط این دارو دسته ها ذره ای توهم نداشته ایم. سکولاریزم، تمدن و دفاع از کرامت انسانی، نان، آزادی و دهها خواست و مطالبه که امروز در شعارهای توده میلیونی مردم نوشته شده است، آنچه را که توده مردم بر



اجبار اقتصادی و اجتماعی و صرفاً بر اساس عشق و علاقه متقابل وارد مناسبات جنسی شوند و جامعه تماماً در برابر هر انسان تازه که احیاناً متولد میشود مستقل از آنکه چگونه قدم بر این کره خاک گذاشته مسئول باشد و نیازهای او از جمله نیاز به نگهدارنده و پرورش دهنده را تامین کند. اسم این چیست؟ خانواده؟ زندگی مشترک؟ ستایش انسان؟ هر اسمی روی آن بگذاریم متأسفانه اکنون مناسبات اقتصادی و اجتماعی و سیاسی حاکم بر جوامع بشری مانع تحقق چنین آرزویی برای اکثریت عظیم بشر است. آرزویی که به يك معنی خیلی ساده است. اما نه فقط ما انسانها باید هر روز دنبال يك لقمه نان بدویم و از آینده خود و فرزندانمان بیمناک باشیم بلکه مناسبات طبقاتی حاکم به هزار و يك روش و از جمله با کویین بر "ارزش های خانواده" و حفظ مناسبات مردسالار و قوانین ضد زن میگوید مانع تحقق این آرزوی ساده شود. حال جنگ و درگیری و پناهندگی و کودکان خیابان و غیره که متأسفانه در حال گسترش است و یا بحران محیط زیست و خطر نابودی نسل بشر به جای خود. خوب که فکرش را میکنید برای رسیدن برای چنان آرزوی ساده ای نیز باید تا دیر نشده کل مناسبات حاکم را عوض کنیم و به حاکمیت سرمایه و پول و بانک و بازار و سیستم سیاسی و اجتماعی ناشی از آن و از جمله ارزش های خانواده سنتی و در واقع تحمیلات ارتجاعی و ضد زن پایان دهیم.

تا آنجا که به مساله "حقوق" و قوانین مربوط به خانواده برمیگردد، این حقوق در واقع در طول تاریخ عبارت از سلب حقوق از زنان و کودکان بنفع مناسبات مردسالار و پدرسالار بوده است. حق را طبقات حاکم و استثمارگر تعیین کرده اند و در واقع ناحق است! تازه در يك قرن اخیر و

ریختن تمام تصورات و تعابیر قدیمی از خانواده، نه فقط در تئوری و اذهان بلکه بویژه در واقعیت! (این مرا یاد عبارت جالب مارکس در "تزهایی در باره فوئرباخ" می اندازد که میگوید: "وقتی کشف شد که راز خانواده مقدس در خانواده زمینی نهفته است، این آخری (خانواده زمینی) باید در تئوری و پراتیک منهدم شود". اکنون گویی خود پراتیک اجتماعی دارد. این توصیه مارکس را عملی میکند!)

باری، خود واقعیت از ما تعاریف و حتی اسامی جدیدی برای مناسبات جدید بین انسانها طلب میکند. در پاسخ سعی میکنم چند نکته را اشاره کنم. اول اینکه میتوان این را بروشنی دید که از همان جماعات اشتراکی اولیه تا خانواده سنتی و پدرسالار عصر فئودالی و دهقانی تا "خانواده هسته ای" عصر مدرن (که بویژه در دوره رونق بعد از جنگ جهانی دوم وسعت یافت و اکنون روبه افول است) و تا خانوارهای تك والد روزگار ما، همه و همه يك مساله را در محور دارند. و آن تولید مثل و تداوم نسل بشر است. اما دقت کنید که طولانی ترین دوره در تحول اجتماعی بشر مربوط به وقتی است که خانواده هنوز اصولاً شکل نگرفته ولی تولید مثل صورت میگیرد و کل جماعت در مقابل آن مسئول است. دوم اینکه به هر اندازه که انسانها توانسته اند طی تاریخ محدودیت های طبیعی و اجتماعی را کنار بزنند، عشق جنسی برجستگی بیشتری پیدا کرده و این تمایل قوت گرفته که انسانها بنا به عشق و علاقه خودشان و نه هیچ زور و اجبار و یا طبقه رسم و سنت های از پیش تعیین شده وارد مناسبات عشقی و جنسی و احیاناً تولید مثل شوند. سوم اینکه این تمایلات طبیعی و ذاتی نوع بشر به سد محدودیت و عقب ماندگی های مناسبات اجتماعی میخورد. در نتیجه میخوام بگویم نمی شود تعریف ازلی و ابدی از خانواده داد. تمایلات طبیعی وجود دارد که به آن اشاره کردم اما بسته به موقعیت تاریخی و نوع اجتماعی که در آن زندگی میکنیم، این چیزی که از آن صحبت میکنیم، خانواده یا هر اسمی که روی آن بگذاریم، در هر حلقه بنوعی تعریف میشود. اگر از من بپرسید، انسانها باید بتوانند فارغ از هرگونه محدودیت و فشار و

مالکیت بوده است. برای مثال خانواده پدرسالار در جوامع اشتراکی اولیه که گذران زندگی اساساً بر مبنای شکار و گردآوری خوراک است محلی از اعراب ندارد. در این حلقه از تحول اجتماعی نه مالکیت خصوصی بر وسائل تولید شکل گرفته و نه خانواده مترتب بر آن. اشکال بسیار متنوعی از ازدواج های گروهی، خانوارهای اشتراکی و معمولاً مادر نسب ویژه این جوامع است. اما بعداً با پیدایش کشاورزی و دامداری و بالا رفتن قدرت تولید بشر، رفته رفته طبقات و مالکیت خصوصی و دولت شکل میگیرد و در این مرحله است که خانواده پدرسالار سر برمی آورد و قوانین و رسوم سختگیرانه در مورد رابطه زن و مرد، موقعیت فرزندان و از جمله ارث که معمولاً از پدر به پسر میرسد شکل میگیرد. وجه عمده تعلیمات الهی در مذاهب نظیر اسلام و یهودیت و غیره هم دقیقاً به همین موضوعات و انقیاد و فرودستی زن و بخصوص اینکه زن رابطه ای خارج از ازدواج نداشته باشد، اختصاص دارد. خود اینها که همه در تحلیل نهایی محصول مالکیت خصوصی هستند، بنویه خود قرار بوده است که بقول شما در خدمت ازلی و ابدی کردن مالکیت نیز عمل کنند. اما مساله این است که شیوه تولید اجتماعی و مناسبات مالکیت ناشی از آن متحول میشود و به همراه اینها کلیه مناسبات اجتماعی و از جمله مناسبات خانواده تغییر میکند. این اتفاقی است که با انقلاب صنعتی و عروج بورژوازی و جایگزینی مناسبات مالکیت فئودالی و عشیرتی با مناسبات مالکیت سرمایه داری رخ داد و ارکان خانواده سنتی و پدرسالار به لرزه درآمد. اکنون با رشد و گسترش پرولتاریا و شدت یافتن تناقضات مالکیت بورژوازی حاکم بر زندگی بشر، اشکال سنتی خانواده بیش از هر زمان دیگر دستخوش تغییر و تحول است و اشکال جدیدی به ظهور میرسد.

سیامک بهاری: خانواده اساساً برای چه منظوری تشکیل می شود؟ تولید مثل؟ تعلق خاطر طرفین به زندگی مشترک و به اصطلاح زیر يك سقف؟ این امر منجر به حقوق و یا تفاوت ویژه ای باید بشود؟ مصطفی صابر: این سوال جالبی است. خصوصاً در این بحبویه بهم

گفتگوی سیامک بهاری با مصطفی صابر؛ بحران در "خانواده"!

از صفحه ۱

سرمایه داری میکوشد عناصر ارتجاعی جوامع ماقبل از جمله در رابطه با خانواده را بنفع خود حفظ کند و بکار گیرد. این خود سرمایه داری است که میکوشد هر فرد را به کارگر مزد بگیر تبدیل کند و در نتیجه تمام اشکال قدیمی و مناسبات سنتی خانواده و خویشاوندی را در هم میشکند. تغییرات عظیمی که بویژه طی چهار دهه گذشته در شکل خانواده صورت گرفته است اساساً ناشی از نیاز سرمایه برای وارد کردن زنان به بازار کار و تولید ارزش اضافه توسط آنها از دهه ۸۰ به این سو است. اما در همان حال سرمایه داری درست به دلیل افزایش سود و ملزومات انباشت سرمایه از تمایلات مردسالارانه و مذهبی و ضد زن از جمله تقدیس "ارزش های خانوادگی" دفاع میکنند چرا که اینها در خدمت ارزانتر نگاه داشتن نیروی کار زن در مقایسه با مرد عمل میکنند. چیزی که حتی در سرمایه داری های پیشرفته نیز کماکان برقرار است. البته این تمام مساله نیست و سرمایه داری در حفظ اشکال سنتی خانواده و موقعیت فرودست زن منافع دیگری هم دارد. مثلاً ما میدانیم يك رکن ارتجاع سیاسی بورژوازی دوره ما بویژه در کشورهای اسلام زده حمله وحشیانه به زنان و راندن آنان به کنج خانواده مردسالار و سول افرادی متحرک یعنی حجاب است.

سیامک بهاری: موضوع مالکیت و نیز فرزندان، يك موضوع کلیدی در خانواده است. حق ارث و یا تقسیم ثروت هم بر همین منوال مطرح میشود. آیا نقش خانواده تحکیم و ازلی و ابدی کردن مالکیت میتواند باشد؟

مصطفی صابر: بدون تردید شکل گیری مالکیت خصوصی و طبعا چگونگی انتقال آن به نسل بعد (موضوع ارث)، نقش تعیین کننده در شکل گیری خانواده پدرسالار داشته است. همانطور که اشاره شد نحوه تولید مثل آدمها همواره تابعی از نحوه تولید اجتماعی و مناسبات

اخیر خانوار (مثل خانواده تك والدی) در اقلیت قرار گرفته است. و این مساله البته جهانی است.

در شعار "خانواده سلول جامعه"، هم خانواده و هم جامعه بطور اختیاری و غیر تاریخی تعریف شده اند. کافی است بپرسید کدام شکل خانواده در کدام مقطع تاریخی، تا این تعریف فروبریزد. تنها چیزی که در آن اعتبار دارد همان "سلول" است! سلولی که باید بویژه زنان و کودکان، و به این اعتبار کل جامعه را در قیود مناسباتی عقب مانده و مردسالار به بند بکشد. اما در واقعیت امر، بقول انگلس، زندگی اجتماعی دو وجه دارد. یکی تولید مایحتاج و شرایط زندگی و دیگری تولید مثل خود انسان. این دو کاملاً بهم مربوطند و تاریخاً تاثیر متقابل برهم داشته اند؛ هرچند که اولی در تحلیل نهایی دست بالا دارد. در مقطعی از تحول تاریخی، بخصوص با پیدایش اضافه محصول در جماعات اولیه بشری و شکل گیری مالکیت خصوصی و دولت و طبقات، خانواده پدر سالار و سنتی نیز شکل میگیرد. بعد رفته رفته این مفهوم تثبیت میشود که گویا خانواده نهادی است الهی و مقدس که در آن بطور طبیعی و معمول مرد دست بالا دارد و زن و فرزندان فرمانبردارند. و گویا این شکل ازلی و ابدی تولید مثل بشر و مناسبات بین دو جنس و پرورش فرزندان است! این خانواده پدرسالار که البته خود اشکال متنوع و سیر تحول طولانی داشته است را همه نیروهای ارتجاعی و بخصوص دستگاه مذهب تقدیس کرده و میکنند و امروز برای اضمحلال آخرین بقایای آن فریاد وامیصیبتا سر داده اند.

مواجهه بورژوازی با این خانواده سنتی و مردسالار برخوردی متناقض و دوگانه بوده و هست. بقول فارسی با دست آترا پیش میکشد ولی با پا پس میزند! از یکسو با استقرار و پیشرفت سرمایه داری زیر پای کلیه مناسبات جامعه کهن و از جمله خانواده سنتی جaro میشود. اما از سوی دیگر

یادداشت‌های هفته

حمید تقوایی

راه حل جمع کرن بساط دولتها و نیروهای اسلامی از خاورمیانه است!

"توافق‌ها و برجام‌انزاری است که به ایران نفوذ کنند، رهبری و نظام را براندازند و به این منطقه تسلط پیدا کنند تا جلوی نشر اسلام شیعی را بگیرند".
امام جمعه مشهد

آمریکا و دول اروپائی با نشر اسلام شیعی و سنی هیچ مشکلی ندارند. اگر داشتند در کنفرانس گوادولوپ به روی کار آمدن خمینی رضایت نمیدادند و او را در نوفل لوشاتو زیر درخت سیب نمی نشانند و عکسش را در ماه نمی انداختند. طالبان را در افغانستان روی کار نمی آوردند و از دولت عربستان سعودی حمایت نمی‌کردند. در خود کشورهای اروپائی نیز به مسجد سازی و دادگاه‌های شریعه و مدارس اسلامی پرو پال نمیدادند. جنبش اسلام سیاسی اعم از دولتها و نیروهای اسلامی "افراطی" و "میان‌رو" و غیره دست ساز خود غرب است. ضد آمریکائی گری عاریتی و نخ نما شده جمهوری اسلامی بخاطر شیعه ستیزی آمریکا نیست، بلکه در هراس از اسلام ستیزی

چه کسی انسانیت را درک نمیکند؟

"یک سیب به زمین افتاد و جهان از قانون جاذبه با خبر شد، هزاران انسان بزمین افتادند و بشر مفهوم انسانیت را درک نکرد".
چارلی چاپلین

فاجعه پناهندگان یکبار دیگر این سوال را در برابر همه قرار میدهد: چرا در قرن بیست و یکم جان انسانها چنین بی ارزش است؟ راه حل چیست؟ آیا واقعا "انسانیت" هنوز کشف نشده است؟

امروز دنیا شاهد اعلام حمایت و همدردی و همبستگی و کمکهای بیدریغ مردم کشورهای مختلف به پناهندگان است. چنان موج گسترده ای از حمایتهای مردمی در آلمان و سایر کشورهای اروپائی برافزوده است که حتی دولتها و احزاب راست ناگزیر شده اند از سیاستهای همیشگی ضد پناهنده خود کوتاه بیایند و در لفظ و موضع گیری هم شده خود را همدرد و حامی پناهنده ها نشان دهند. حمایت و کمکهای بیدریغ، عکس العمل همیشگی مردم دنیا در قبال چنین فجایعی است.

راه حل جمع کردن بساط دولتها و نیروهای اسلامی از خاورمیانه است!

عرب علیه رژیم اسد به خیابانها آمدند و بوسیله حکومت اسد و با اتکا به کمکهای مالی و تسلیحاتی و نظامی جمهوری اسلامی و روسیه و حشیانه در هم کوبیده شدند. بدون حمایت جمهوری اسلامی و روسیه رژیم اسد بیش از چند ماه نمیتوانست دوام بیاورد و این وضعیت فاجعه بار امروز در سوریه شکل نمیگرفت. امروز هم بیش شرط هر نوع خاتمه بخشیدن به فاجعه سوریه برکناری رژیم اسد است.

اما مساله تنها به سوریه محدود نمیشود. ریشه های مساله افسارگسیختگی دولتها و نیروهای اسلامی در خاورمیانه است که بر متن سیاستهای میلیتاریستی دولتهای غربی عرصه ای برای ابزار وجود پیدا کرده اند. باید در برابر کلیه این نیروها ایستاد.

امواج هزاران نفره فراریان از کشورهای اسلامزده و جنگزده در منطقه و موج کمک رسانی و انساندوستی وسیعی که در اروپا در حمایت از پناهجویان برافزوده است همه توجه ها را به ریشه های این مساله جلب کرده است. باید در این شرایط بر این واقعیت تاکید کرد که راه حل مساله پناهندگی و آوارگی میلیونی از کشورهای خاورمیانه، جمع کردن بساط رژیمها و نیروهای اسلامی و قومی و عشیره ای، از جمله و بخصوص رژیم اسد و جمهوری اسلامی و داعش، از منطقه است. راه حلی که امروز مردم عراق با شعار نه به دولتهای اسلامی و نیروهای قومی- مذهبی و با خواست سکولاریسم و جامعه مدنی پرچم آنرا برافراشته اند.

شرط برکناری اسد علت بحران آوارگی سوریها است!"
ظریف، وزیر خارجه جمهوری اسلامی

بیشر می و وقاحت هم حدی دارد! ظاهرا سیل مهاجرت قربانیان رژیم اسد به اروپا و موج عظیم همبستگی و حمایت مردم اروپا از این قربانیان مسئولین این فاجعه را به هذیان گوئی انداخته است. رژیمی که خود حامی و شریک جرم رژیم اسد است و دستش تا آرنج به خون مردم سوریه آلوده است علت فرار و آوارگی مردم سوریه را "شرط برکناری اسد" میداند! گویا مردم سوریه نه در اثر جنایت رژیم خونریز اسد، بلکه بدلیل خواست برکناری او، کشته و آواره و بی خانمان شده اند!

همه میدانند که عاملین مستقیم جهنمی که امروز در سوریه بر پا شده دولت اسد، رژیم جمهوری اسلامی، و دولت روسیه است. سرکوب مردم بیخاسته سوریه بوسیله این نیروها باعث شد تا داعش و دار و دسته های مختلف اسلامی و دولتهای حامی آنان، عربستان سعودی و ترکیه وارد میدان بشوند و جامعه سوریه را به جهنمی که امروز شاهد آن هستیم تبدیل کنند. کل این افسارگسیختگی نیروها و دستجات مختلف اسلامی و قومی عشیره ای، در یک سطح پایه ای تر، بر زمینه شرایط ایجاد شده بر اثر یورش نظامی آمریکا و متحدینش به عراق بوجود آمده است و به این معنی دولت آمریکا و متولفین اروپائی اش نیز یک پای دیگر فاجعه سوریه هستند.

ظریف میگوید "قطع مردم سوریه حق تصمیمگیری دارند!" اما مردم چهار سال قبل تصمیمشان را اعلام کردند و با هلیکوپترهای مسلسل دار و گلوله تک تیراندازها پاسخ گرفتند. مردم سوریه در خیزش سال ۲۰۱۱ با الهام از انقلابات بهار

مردمی است که از فعال میاشانی دولتها و نیروهای شیعه و سنی در ایران و در منطقه جانشان به لب رسیده است. مقامات رژیم از این میترسند که توافق با آمریکا فضا و فرجه تازه ای برای اعتراضات و مبارزات مردم باز کند و به گفته خودشان "فتنه هشتاد و هشت" در ابعاد وسیع تری تکرار بشود.

شاخ و شانه کشیدن در برابر آمریکا در واقع ابزار قدرتمندی جمهوری اسلامی در برابر مردم است. ابزار پوسیده ای که امروز بیش از همیشه کاربرد خودش را از دست داده است. آنچه منطقه را از سلطه تروریسم دول غربی و دولتها و نیروهای اسلامی هر دو رها خواهد ساخت، نه ضدآمریکائی گریهای رنگ باخته جمهوری اسلامی، بلکه حرکت وسیع مردم برای جارو کردن مذهب از دولت و از همه شئون زندگی اجتماعی و شخصی خود است. حرکتی که مدتهاست در ایران جریان دارد و امروز شاهد سر بلند کردن آن در عراق و در لبنان هستیم.

توده مردم، نود و درصدیهای دنیا، نه در ایجاد این فجایع سهیم اند و نه در بی اعتنائی نسبت به قربانیان این فجایع. مردم در همه کشورها هر جا به هر اندازه توانسته اند به کمک هممنوعان خود شتافته اند. آنکه هنوز "مفهوم انسانیت را درک نکرده" یک درصدیهای حاکم اند. دولتهائی که خود مسئول ایجاد چنین فجایعی هستند نسبت به قربانیان این فجایع بی تفاوت ترین اند.

این روزها در مدیای اجتماعی سخن از فعالیتهای یک سازمان غیر انتفاعی بنام "ایستگاه ساحلی کمک به مهاجرین" در میان است. این یک سازمان غیر انتفاعی است که با استفاده از آخرین امکانات تکنولوژیک در مدیریتانه قایقهای مهاجرین را ردیابی میکند و به کمک آنها میشتابد. این سازمان که در سال ۲۰۱۳ پس از اینکه چهارصد نفر مهاجر در سواحل ایتالیا در دریا غرق شدند تاسیس شده تا امروز توانسته است بیش از یازده هزار نفر را نجات بدهد. هزینه این فعالیت نیم میلیون دلار در ماه است که عمدتا از طریق صفحه ۶

گفتگوی سیامک بهاری با مصطفی صابر؛

از صفحه ۴

بویژه چند دهه گذشته است که بشر توانسته در همان چهارچوب خانواده برخی از سلب حقوق ها را ملغی کند و قوانین مردسالار را عقب براند. (مثلا در مورد حق طلاق، حق ارث و حضانت فرزندان و غیره). اما اگر بشر بتواند بر سرنوشت خود و از جمله بر مناسبات عشقی و تمایلات جنسی و همینطور تولید مثل حاکم شود، آنگاه کل این چهارچوب را در هم خواهد شکست و مناسبات حقوقی یکسره متفاوتی را تعریف خواهد کرد و ماهیت تبعیض آمیز حقوق را تغییر خواهد داد.

سیامک بهاری: با مطرح شدن ازدواج همجنسگرایان بعنوان یک حق برای زندگی مشترک، فرم جدیدی از مناسبات خانوادگی هم ایجاد میشود که منشأ تولید مثل ندارد. برای مثال وقتی ازدواج همجنسگرایان در آمریکا قانونی شد، یک دلیل مهمش تحکیم پایه های خانواده در میان همجنسگرایان اعلام شد. اما اینجا خانواده بر چه مبنایی تشکیل میشود؟ مصطفی صابر: ازدواج همجنسگرا منشأ تولید مثل ندارد، اما بر مساله پذیرش فرزند و بزرگ کردن فرزند بعنوان یک حق دست گذاشته تا خود را همپای ازدواج های سنتی و معمول و قانونی کند که تنها دو جنس مخالف از آن بر خوردارند. با این کار همجنسگرایان به دنبال رفع تبعیض از خود هستند اما خواسته ویا ناخواسته

اینجا یک تناقض اساسی در گره زدن مساله تولید مثل با نهاد خانواده برجسته میشود. با قانونی شدن ازدواج همجنسگراها با حق فرزند پذیری در نروژ در سال ۲۰۰۱ موج جدیدی شروع شده که رویه گسترش است. تا کنون دهها کشور در اروپای غربی و آمریکای شمالی و آمریکای لاتین این نوع ازدواج را بعنوان شکلی قانونی و رسمی پذیرفته اند. چیزی که در خیلی کشورها هنوز مذموم و یا ممنوع و حتی در جایی مثل ایران میتواند مجازات مرگ داشته باشد. اما جالب است که گویا فعالین حقوق همجنسگراها در دهه ۹۰ چندان حق ازدواج و تشکیل خانواده را طلب نمی کردند چون کلا خانواده را نهادی سنتی قلمداد میکردند. اما در دهه ۸۰ و ۹۰ رفته رفته خواست قانونی شدن ازدواج همجنسگرا به موضوع محوری در جنبش رفع تبعیض علیه همجنسگرایان تبدیل شد. تحقق این مطالبه نه فقط گام مهمی در مبارزه علیه تبعیض بر علیه همجنسگرایان است، بلکه ضربه مهلکی بر ارزش های مردسالارانه و پدرسالارانه در مناسبات جنسی انسانها و در امر خانواده است. بی شک تغییر و تحولات شگرف چهار دهه گذشته در شکل خانواده که قبلا اشاره رفت نقش مهمی در این پیشروی داشته است. اما بنظر من مهمترین وجه این پیشروی همان پذیرش حق به فرزند گرفتن توسط دو زن یا دو مرد است که میخواهند باهم

زندگی مشترکی داشته باشند. این حق قبلا عمدتا محدود به خانواده سنتی بود و کودکانی که نیاز به سرپرست داشتند را یا به این نوع خانواده ها و یا در حالت فقدان چنین خانواده ای به پرورشگاه ها و یتیم خانه ها می سپردند. اکنون دارد وضع عوض میشود. قبول مسئولیت در قبال کودکان و بزرگ کردن آنها دارد از اشکال سنتی و محلود به دایره خانواده سنتی خارج میشود.

البته تا آنجا که ازدواج همجنسگراها میخواهد خود را بعنوان یک نوع خانواده یا حتی یک نوع ازدواج قانونی، در قیاس با اشکال سنتی ازدواج و خانواده که مبتنی بر دو جنس است، جا بیندازد هنوز دارد در مقابل بقایای مشروعیت خانواده سنتی و کلا نهاد خانواده سر فرود میاورد. بنظر من در آن تمایل فعالین حقوق همجنسگرایان دهه ۷۰ که اصولا نهاد خانواده را قبول نداشتند یک حقیقت مهمی هست که باید آنرا برجسته کرد. و این البته فراتر از جنبش رفع تبعیض علیه همجنسگرایان میروند. باید حق پذیرش فرزند و نگهداری از کودکانی که نیاز به خانه و مراقبت و عشق و محبت دارند را کلا از مساله خانواده یا ازدواج جدا کرد. مساله تولید مثل و نگهداری و بزرگ کردن کودکان باید از زیر مجموعه خانواده و ازدواج خارج شود. باید کل جامعه و دولت در مقابل این مساله مسئولیت بگیرد و قوانین خاص آن تدوین شود. در این حالت چه بسی هر فرد یا چند نفر آدم (چه مرد و چه زن و چه ترکیبی از ایندو) که میخواهند و میتوانند و صلاحیت اش

را دارند تا بچه ای را بزرگ کنند، باید بتوانند این کار را انجام دهند. مستقل از اینکه مساله ازدواج و خانواده و حتی زندگی مشترک در بین باشد. میتوان و باید ضوابط دقیق آنرا تدوین کرد و موسسات مجهز دولتی بر نحوه اجرای آن نظارت کند. اما باید این موضوع را از چهارچوب خانواده و ازدواج و زندگی مشترک، چه نا همجنس و چه همجنس، خارج کرد.

سیامک بهاری: تکلیف خانواده در جامعه ای آزاد و برابر چه میشود؟ اگر حزب کمونیست کارگری بقلرت برسد با نهاد خانواده چه برخوردی خواهد کرد؟

مصطفی صابر: در مورد بخش اول سوال، قبلا سعی کردم توضیح دهم که اکنون نمی توان و نباید شکل معینی را پیشنهاد کرد. این موضوعی است که خود آیندگان باید در مورد آن تصمیم بگیرند. آنچه که امروز میتوان گفت این است که هرگونه اجبار و فشار از مناسبات جنسی و عشقی انسانها باید برداشته شود. همه انسانها در هر مرحله از زندگی باید توسط جامعه تامین و حمایت شوند. تاریخ نشان داده که هیچ شکل مقدسی از زندگی مشترک یا آنچه به آن خانواده میگوئیم وجود ندارد و در آینده هم وجود نخواهد داشت. البته هرچه جامعه آزاد و برابر باشد در آن جامعه عشق به ممنوع همه جانبه تر و عمیق تر بروز خواهد کرد. شخصا فکر میکنم که این عشق به ممنوع البته بویژه در شکل عشق جنسی دو نفر بهم و عشق به کودکان اعتلاء خواهد یافت.

اما بخش دوم سوال شما یعنی اینکه حزب کمونیست کارگری در قبال نهاد خانواده چه میکند، رئوس آن در برنامه ما، یک دنیای بهتر، بدقت مشخص شده است. حمیم ترین بخش برنامه ما در بخش مطالبات اتفاقا مربوط به همین مساله زندگی مشترک، رفع تبعیض جنسی، برابری زن و مرد و حقوق کودک است. در این بخش به همه جوانب این موضوع از آزادی مناسبات جنسی افراد بزرگسال، تا آزادی انتخاب جفت و الغاء هرگونه دخالت مذهبی و خانوادگی و دولتی در این زمینه، تا الغاء همه قوانین و رسوم مذهبی و مردسالارانه و ضد زن در امر زندگی مشترک و حقوق کودکان جزء به جزء پرداخته شده که خواننده را به مطالعه این برنامه دعوت میکنم. روح تمام این مطالبات عقب راندن خانواده سنتی و مردسالار و دفاع از حقوق زنان و کودکان است. این نکته را هم باید اضافه کنم که برنامه ما در اوائل دهه ۹۰ میلادی تصویب شده است و به مساله ازدواج همجنسگرایان نپرداخته است. اما قرار دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری مورخ ۲۵ اوت ۲۰۱۴-۳ شهریور ۱۳۹۳ اعلام میکند که: "این حق انکارناپذیر، طبیعی و انسانی همجنسگرایان، دوجنسگرایان و ترنس جندها است که از روابط آزادانه و داوطلبانه جنسی برخوردار باشند، زندگی مشترک تشکیل دهند و از همه حقوق آن برخوردار شوند و هیچ تبعیضی از جمله در مورد پذیرش فرزند بر آنها اعمال نشود."

باندازه نیازش! قانون حاکم بر یک جامعه آزاد و برابر سوسیالیستی! راه تحقق چنین جامعه ای اقناع سرمایه داران و دولتهای حافظ منافع آنها نیست، مبارزه علیه آنهاست. منافع آنها هرگز اجازه نمیدهد که انسانیت را درک کنند. جنبش توده ای که امروز در عراق علیه دولتها و دارو دسته های اسلامی و قومی شاهد هستیم، اعتراضات رو به اوج علیه "دولت زبانه" قومی- مذهبی در بیروت، و اکنون موج گسترده حمایت توده ای از پناهندگان آخرین نمونه های تلاش بی وقفه مردم دنیا برای رهائی از شر سلطه سرمایه و نیروهای مافوق ارتجاعی است که از قفس آزاد کرده است.

خانمانسوز فراهم کند. اگر چنین نمیکند بخاطر آنست که مدافع منافع یک درصدیهای حاکم هستند و نه توده مردم! بخاطر آنست که چرخ سرمایه بر اساس تامین سود می چرخد و نه نیاز انسانها. قانون حاکم بر سیاستهای جنگی دولت آمریکا و متحدین اروپائی اش که خاورمیانه را به آتش کشید و زمینه افسارگسیختگی دولتها و دار و دسته های اسلامی را فراهم کرد، چیزی بجز سودآوری هر چه بیشتر نیست. میلیونها انسان آواره از کشورهای جنگزده و اسلامزده از جهنمی میگریزند که سیاستها نظم نوینی سرمایه داری جهانی بر پا کرده است. بشریت قانون انسانیت را مدتهاست کشف کرده است: قانون از هرکس باندازه توانش به هر کس

چه کسی انسانیت را ...

از صفحه ۵

جمع آوری کمک از مردم تامین میشود. اما دولتها چه میکنند؟ صد ها برابر چنین کمکهائی میتوانند از جانب دولتها انجام بشود. نیم میلیون دلار در ماه برای دولتهای غربی "پول خرد" محسوب میشود. هزاران برابر این مبلغ درآمد بانکها و دولتهای اتحادیه اروپا تنها بابت بهره وامهائی است که در ازای تحمیل ریاضتکشی اقتصادی از مردم یونان بیرون میکشند. تنها بخش ناچیزی از بودجه و امکانات تکنیکی که صرف لشگرکشی به عراق شد کافی است تا بهترین زندگیا را برای قربانیان پیامدهای این جنگ

تصور کن !

از صفه ۳

جان لنون نیز پاسخ این اراجیف را در آهنگ تاریخی خود داده است!

در آرامش و صلح زندگی کنند شاید با خود بگویی که من خیالبافم ولی تنها من نیستم امیدوارم روزی به ما ملحق شوی و مردم دنیا در کنار هم زندگی کنند تصور کن که هیچ دارایی وجود ندارد مطمئن نیستم که بتوانی (تصور کن) هیچکس گرسنگی یا طمع ندارد و همه مردم خود را برادر یکدیگر بدانند تصور کن همه مردم دنیا تمام دنیا را با هم تقسیم کنند شاید با خود بگویی که من خیالبافم ولی تنها من نیستم امیدوارم روزی به ما ملحق شوی و مردم دنیا در کنار هم زندگی کنند ...

تصور کن که بهشتی وجود ندارد کار راحتی است، امتحان کن (تصور کن) جهنم هم وجود ندارد و تنها آسمان بالای سر ماست تصور کن همه مردم دنیا برای امروز زندگی کنند تصور کن کشوری وجود ندارد تصور کار سختی نیست (تصور کن) چیزی وجود ندارد که برایش بمیریم یا کسی را بکشیم و هیچ دینی هم وجود ندارد تصور کن همه مردم دنیا

فراخوان به مردم انقلابی عراق!

از طرف پلنوم نهم

حزب کمونیست کارگری چپ عراق!

ما اعضای کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری چپ عراق دستان شما مبارزین را میفشاریم و با تمام توان از اعتراض انقلابی تان علیه حاکمیت میلیشایی، قومی، دینی فاسد حمایت میکنیم. ما در صفوف شما هستیم و دوشادوش شما، در میان جمعهایتان، پلمیکهای مدنی و جنبش سکولارتان در میدان تحریر، در خیابانهای شهرهای عراق ایستاده ایم و در پیشبرد هر قدم از این خیزش عظیم میلیونی با شما هستیم.

این حزب از ابتدای تاسیس تا کنون نقد عمیقی از نیروهای دینی، طایفه ای و قومی داشته و بارها گفته ایم که اینها بجز خانه خرابی و تحمیل هویت جعلی و غیر انسانی بر جامعه چیز دیگری به ارمان نخواهند آورد. سالهاست که حزب ما فراخوان سکولاریزم، جدایی دین از دولت، از آموزش و پرورش و امور قضایی را اعلام کرده است. سالهاست حزب ما میگوید حاکمیت دار و دسته اسلامی و قومی حاکمیتی عقبمانده است، با تحمیل هویت دینی و طایفه ای سرنوشت شهروندان را به بازی میگیرد، برای اینکه به حاکمیت دزدی، غارت و فسادش ادامه دهد. شما امروز با دقت این اهداف انقلابی را در شعارهایتان، "سکولاریزم، سکولاریزم، نه سنی نه شیعی" و "با نام دین دزدان غارتان کردند" و "نه به تاجار دین"، برجسته کرده و آنرا ابراز میکنید. ما شعارها و اهداف شما را متعلق به خود میدانیم و همچون شما از آن حفاظت میکنیم و برای تحقق آن تلاش خواهیم کرد. لازم است همگی با هم این شعارها را عمیقتر و همه جانبه تر جهت تحقق دنیایی

بهرتر برای نسل امروز و نسلهای آینده، در تمامی گوشه و زوایای زندگی اجتماعی، سیاسی و اقتصادی مردم عراق گسترش دهیم.

در تمامی ادبیات حزب گفته ایم که این پارلمان مضحکه ای کاریکاتوری است که نه نمایندگان مردم بلکه ترکیبی از سران میلیشای دینی و قبیله ای آنرا بوجود آورده اند. این پارلمان قادر نیست نماینده تمدن و تجددخواهی شما باشد، انتخابات هایشان مضحکه است، امروز توده های میلیونی مردم عراق فریاد میزنند و اعلام میکنند که پارلمان و قوانین آن باید باطل شود. مردم عراق اعلام کرده اند که خواهان قوانین سکولار و حکومتی مدنی متکی بر برابری شهروندان و برابری زن و مرد، لغو مجازات اعدام و ارائه خدمات و رفاه اجتماعی هستند.

ما اعلام میکنیم که با شما هستیم و برای دستیابی به خواسته های تان با تمام نیرو، برای پیروزی حرکت توده ای و عظیم شما، برای برقراری جامعه ای متفاوت، برابر، آزاد، سکولار، امروزی و مرفه تلاش خواهیم کرد. ما با تمام قوا از توده معترض میلیونی حمایت میکنیم. شما را فرامی خوانیم که در مقابل این حکومت عقب مانده صفوف خود را سازمانیافته کنید. در کمیته های مستقل، در محلات و در محلهای کار و در مجامع عمومی نمایندگان خود را انتخاب کنید. در حالیکه حاکمیت دار و دسته های میلیشای دینی، قومی و دزدهای حاکم مدام سرگرم غارت هستی شما هستند، با برپا کردن شوراها توده ای و برای اداره امور زندگی

خود دست بکار شوید و اجازه ندهید که حاکمان با عمامه و بی عمامه با حرکت شما بازی کنند. آنان را از صفوف خود بیرون کنید و مدام خواستار سکولاریزم، تمدن، برابری و رفاه شوید و به کمتر از این خواسته رضایت ندهید.

حزب کمونیست کارگری چپ عراق دوشادوش شما برای درهم شکستن سانسور حرکت شما توسط رسانه های خبری جهانی و داخلی تلاش میکند. رسانه ها می خواهند اینگونه وانمود کنند که خیزش شما گویا دعوا بین نیروهای میلیشایی و مراجع دینی و دستجات مختلفی است که سالهای طولانی بانی کشتار، از هم پاشاندن شیرازه جامعه و غرق کردن انسانیت در باطل بوده اند. خیزش توده ای مردم عراق خواستار نان، آزادی و کرامت انسانی است. خیزشی نیست که بخواهد این خس و خاشاک را سر جای خود بگذارد بلکه می خواهد آنرا به زباله دان تاریخ بیندازد.

ما با تمام توان تلاش میکنیم حقایقی که در عراق در جریان است را منعکس کنیم، با هر طرح و توطئه ای علیه این جنبش مقابله کنیم و صدای مردم آزادیخواه را برای جلب همبستگی به گوش نیروهای متمدن جهان برسانیم.

پیروز باد خیزش توده انقلابی عراق! نه شیعی، نه سنی، سکولاریسم!

پلنوم نهم حزب کمونیست کارگری

چپ عراق

۲۹ اوت ۲۰۱۵

مصاحبه با سمیر نوری ...

از صفحه ۳

به پله جلو ببرد.

انترناسیونال: پیام و انتظار شما از کمونیستهای عراق برای ایفای نقش در این شرایط خطرناک چیست؟

سمیر نوری: کمونیستها بقدمت طول عمرشان خواب دیدن چنین روزهایی را می بینند. در طول عمر انسان در موارد کمی چنین فرصتهایی فراهم میشود که جامعه اختیار خود را در دست نیرویی قرار دهد که انقلابی باشد و بخواهد جهان را دگرگون کند و سیستم تازه ای بنا کند. امروز مردم عراق تشنه کسانی هستند که راه حلها را میدانند و به مردم دروغ نمی گویند. آنچه را که میگویند همان را در عمل پیاده میکنند. آزادی و برابری آرزو و هدف جامعه بشری است و از روزیکه موضوعیت داشته پرچم کمونیستها بوده است. ما وظیفه داریم این پرچم را با زبان مردم باز نویسی کنیم و آنرا محکم در میدان شهر نصب کنیم و میدان تحریر باید میدان تحرکات ما باشد. کمونیستها مدام مشغول انتقاد و انتقاد کاری از همدیگر هستند اما بنظر من امروز وقت آن است دست در دست هم بگذارند چرا که جامعه بیشتر از نان و آب به کمونیسمی متحد نیاز دارد که بتواند که این جنبش را رهبری کند و نگذارد در نیمه راه متوقف شود. "قدمی عملی از یک دوجین برنامه ای جامع بهتر است (نقد از برنامه گوتا)". این توصیه مارکس به ما کمونیستهای عراق است.

انترناسیونال: با تشکر از رفیق سمیر نوری.



انسانیت مرز نمی شناسد

آوارگی میلیون‌ها انسان بی پناه برای جان به در بردن از جنایات بی شمار تروریسم دولتی بشار اسد و حامیان، داعش و القاعده، روسیه، میلیتاریسم خونریز غرب و متحدینش در پی متلاشی شدن شیرازه جامعه در این کشورها، یکی از بزرگترین و غمبارترین تراژدیهای انسانی قرن حاضر را رقم زده است. خیزش اعتراضی و انسان دوستانه بشریت متمن، عظیم و قدرتمند به صحنه آمد، آغوش گشود و دروازه‌های دژ اروپا را با شجاعت تحسین برانگیز گشود! این قدرت بی انتها عذر و بهانه تراشی های دولتهای به ظاهر "متمدن" اروپایی برای پذیرفتن آوارگان جنگی و سیل عظیم پناهجویان را خنثی کرد. همه احزاب دست راستی و نژادپرستی را که مصایب جامعه را متوجه به اصطلاح خارجی‌ان می‌کرد به درجاتی منزوی نموده است. این خروش عظیم دفاع از کرامت انسان، بیشک یک پیروزی درخشان و تاریخی افتخار بشریت متمن در مقابل توحش تروریسم اسلامی و قومی گری و میلیتاریسم است. آنچه که به گشودن مرزها و شکستن سکوت سنگین دول غربی منجر شد و به پذیرفتن بخشی از آوارگان جنگی انجامید و چنین صحنه را تغییر داد، بدون تردید فقط حضور قدرتمند مردم بود و بس! این گوشه ای از قدرت عظیم بشریت متمن است. این گامهای استوار اما هنوز راهی دراز در پیش دارد. باید همچنان در صحنه بماند و از دستاوردهای تاکتونی پاسداری کند

و موانع دیگر را از سر راه بردارد.

مرزها باید همچنان باز بماند!

با اتکا به قدرت بشریت متمن، مساله عاجل و فوری، تغییردایمی سیاستهای پناهنده پذیری است. دول اروپایی با موقت خواندن تصمیم خود برای پذیرش آوارگان جنگی، می‌خواهند مجدداً درب ها را ببندند. از قبول مسئولیت در قبال ریشه های واقعی این بحران که خود یکی از بنیان‌ها بودند، شانه خالی کنند. برخی دول اروپایی با تقسیم بندیهای قومی و مذهبی از پذیرش آوارگان جنگی سرباز می زنند. مجدداً نواحی نخ نمای پیشین دول اروپایی که باید در محل به پناهجویان کمک کرد و غیره از سر گرفته شده است. مرزها همچنان باید باز بماند و جایابی آوارگان جنگی با امنیت کامل و حفظ حرمت انسانی آنان انجام گیرد و به هرگونه بد رفتاری و اعمال خشونت و محدود سازی فوری خاتمه داده شود. این میسر نیست مگر سیل خروشان و قدرتمند انسانیت در صحنه بماند و ادامه یابد، تا تکلیف بشریت متمن با احزاب نژاد پرست و سیاستهای خارجی ستیزانه آنها نیز یکسره شود. تا ریشه ها و بنیادهایی که موجب آوارگی و در به در شدن میلیون‌ها انسان می گردد خشکانده شود.

در درجه اول باید خود آوارگان جنگی و پناهجویان را برای این امر سازمان داد و متحد کرد! قربانیان باید خود منجی شوند. غم و اندوه این تراژدی دردناک را باید به نیروی دفاع از کيان و حرمت انسان بدل

کرد. این نیروی عظیم با سازمان دادن خود حول خواستههای مشترک و سراسری می تواند در صحنه بماند.

دفاع از حق شهروندی برای همه آوارگان و پناهجویان

یکی از مبهم ترین و پایه ای ترین مطالبات برای به عقب راندن سیاستهای راست و نژاد پرستانه، خنثی کردن بهره کشی اقتصادی و تبدیل آنان به نیروی کار ارزان، اعطای حقوق شهروندی برابر با کل جامعه است. تحقق این مطالبه، به نسبیت فرهنگی و گتو سازی و به حاشیه راندن پناهجویان نیز خاتمه میدهد. همه پناهجویان باید بدون هیچ قید و شرطی شهروندان مساوی الحقوق جامعه تلقی شوند.

ریشه های پناهنده‌گی و آوارگی را باید خشکاند!

امروز بخش اعظم پناهندگان را فراریان از جوامع جنگزده و اسلامزده در خاورمیانه و شمال آفریقا تشکیل میدهند. برای حل ریشه ای مساله

ابتدا باید بساط کلیه دولتها و نیروهای اسلامی و قومی عشیره ای را از خاورمیانه جمع کرد. هم اکنون توده مردم عراق در ابعاد گسترده ای علیه دولت و دارو دسته های اسلامی - عشیره ای و با شعار سکولاریسم و جامعه مدنی به میدان آمده اند. در بیروت نیز موج اعتراض به دولت و نیروهای قومی مذهبی در حال اوجگیری است. مردم ایران نیز مدتهاست مبارزات پیگیری را علیه جمهوری اسلامی، که نقش موثری در ایجاد شرایط فاجعه آمیز در سوریه و عراق و کل منطقه ایفا میکند، به پیش میبرند. این اعتراضات روی دیگر جنبش گسترده حمایت مردم اروپا از پناهندگان است. دست این دو جنبش توده ای را باید در دست هم گذاشت. باید افکار عمومی در کشورهای غربی را از مبارزات مردم خاورمیانه علیه دولتها و نیروهای اسلامی آگاه ساخت، نقش دولتهای غربی را در ایجاد وضعیت فاجعه بار امروز در خاورمیانه افشا کرد و

حمایت وسیع مردم جهان را از مبارزات مردم در عراق و بیروت و ایران و سایر کشورهای اسلامزده علیه کل این وضعیت جلب کرد. جنبش کمک به پناهندگان میتواند و باید با حرکت عظیم مردم منطقه برای خشکاندن ریشه های این فاجعه پیوند بخورد و همراه و متحد شود.

حزب کمونیست کارگری ایران، ضمن ارج گذاشتن به دستاوردهای ارزشمند تاکتونی برای دفاع از حرمت و کيان انسانها، همه شما مردم را به درصحنه ماندن برای پایان دادن به تراژدی پناهنده‌گی و آوارگی فرا می خواند.

زنده باد همبستگی بشریت متمن
تشکیلات خارج کشور حزب
کمونیست کارگری ایران
هفتم سپتامبر ۲۰۱۵



© Reuters/Bez Lashadati



انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: بهروز مهرآبادی

همکاران: سیامک بهاری، نسان نودینیان

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود